

نمونه آراء دادگاه‌های انتظامی*

- عمل مغایر شأن وکالت

حکم شماره: ۳۲۸-۱۶/۸/۱۳۸۱

مرجع رسیدگی: شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات

موضوع پرونده: رسیدگی به اعتراض آقای وکیل دادگستری نسبت به رأی مورخ ۸۰/۱۰/۲۶ شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری که بر اساس آن معترض به توبیخ کتبی با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون وکلای دادگستری محکوم شده است.

خلاصه جریان پرونده: آقای طی دو فقره شکوائیه چند صفحه‌ای تقدیمی به دادرسی انتظامی کانون وکلای مرکز که ذیل شماره ۵۰/۶/ب/۷۷/۶/۱۸ ثبت دفتر آن کانون شده اجمالاً اعلام کرده‌اند، در خصوص استخراج معدن اینجانب به اتفاق چند نفر با اخذ مجوز شراکتی داشتیم و شرکای شرکت علیه اینجانب و آقای در شهریورماه ۷۴ اعلام شکایت نمودند و در شعبه ۲۰۵ دادگاه عمومی تهران پرونده‌ای تشکیل گردید. آقای توصیه نمود که از آقای به عنوان وکیل در پاسخگویی به دعوی مطرح شده استفاده شود و اینجانب هم در حضور آقای توصیه نمود که از آقای به عنوان وکیل در پاسخگویی به دعوی مطرح شده استفاده شود و اینجانب هم در حضور آقای به آقای وکالت دادم و مبلغ دو میلیون ریال نقدی بدون گرفتن رسید به ایشان دادم و برگ وکالتنامه‌ای هم امضا و به ایشان دادم که موضوع وکالت خالی ماند و قرار شد ایشان برگ را تکمیل کند و نامه‌ای در یک نسخه تنظیم کرد به مبلغ پانزده میلیون تومان برای وکالت که در صورت حصول توافق با شکات و حل قضیه با داورری مبلغ مذکور در عرض یکسال به تدریج به ایشان پرداخت شود و یا سهم بگیرد و چون از لحاظ مالی وضعیت خوبی نداشتیم و آقای برای تضمین

* - نمونه آرای دادگاه‌های انتظامی از آن جهت در مجله کانون درج می‌گردد که وکلا و کارآموزان از نحوه نگرش و استنباط قضات و دادرسان دادگاه‌های انتظامی نسبت به تخلفات انتظامی آگاهی یابند.

حق الوکاله خود یک چک پنج میلیون تومانی بدون تاریخ از من گرفت و متذکر شد که همه دفاتر و اسناد و مدارک را بگیرد. آقای با آقای وکیل شاکی تماس گرفت و متعاقب آن سه جلسه در دفتر ایشان تشکیل گردید و ایشان مدارکی تهیه کرد از جمله نوار ضبط مکالمات و نوار دورنگار و دستخط شاکی و وکیل شاکی که به نتیجه مطلوب نرسید و اینجانب توسط اداره آگاهی احضار شدم و قبلاً آقای گفته بود برای هر ساعت صرف وقت هفتاد و پنج هزار ریال می‌گیرد و مدعی بود که هشتاد ساعت صرف وقت برای مشاوره و تشکیل جلسه کرده است. به هر حال اینجانب به اعتماد اینکه ایشان پیگیر قضیه خواهد بود و از حقوق من دفاع خواهد کرد به اعتبار اینکه وجه نقد و چک به او داده‌ام منتظر راهنمایی و اقدامات وکالتی آقای بودم در جریان مسافرت به اصفهان مأمورین آگاهی به درب منزل مراجعه می‌کنند و همسرم به آقای مراجعه می‌کند و آقای درخواست می‌کند که برای تضمین پرداخت حق الوکاله چک کافی نیست و باید تضمین دیگری بدهید و با تنظیم قولنامه‌ای اتومبیل دووی متعلق به همسرم را به نام خانمش به ظاهر خریداری می‌نماید با ذکر مبلغ هشتاد میلیون تومان ثمن که تماماً پرداخت گردیده است. دوستان اینجانب با این قولنامه مخالفت می‌کنند. به هر حال آقای لایحه‌ای با اسم و امضای اینجانب به آگاهی داد و به من گفت که به مأمورین بگویم ایشان دوست من می‌باشد و سروان گفت ایشان وکیل شما است چرا وکالتنامه نمی‌دهید و آقای دو لایحه نوشت و من امضاء کردم و به دادگاه عمومی تهران دادم به آقای گفتم چرا لایحه را خودت امضا نمی‌کنی و برگ وکالت روی پرونده نمی‌گذارید به کار ایشان مشکوک شدم و خواهان تعیین وضعیت شدم که ایشان گفت سند ماشین را بیاور چون شما آن را فروخته‌اید. من گفتم کار وکالتی را انجام نداده‌اید آقای گفت من کارم را به اتمام رسانده‌ام که همان لوایح را نوشته‌ام و جلسه تشکیل داده و مذاکره کرده‌ام و به صد ساعت کار رسیده ناچار من به وکیل دیگری به نام آقای تفویض وکالت کردم و بعد که متوجه شد که وکیل دیگری گرفته به اداره آگاهی رفت و برگ وکالت پیوست پرونده کرد و چک پنج میلیون تومانی را تاریخ زد و گواهی عدم پرداخت گرفت و با اعلام شکایت به وسیله ایادی خود باعث آبروریزی من و همسرم نزد همسایگان شد و نهایتاً به اجبار همسرم

اتومبیل خود را در محضر انتخابی آقای به نام همسر آقای منتقل کرد و ایشان سه میلیون تومان چک در سه قطعه چک به همسر داد و پنج میلیون تومان آن را هم به جای چک من برداشت و مفاصا حسابی نوشت که دیگر وکیل من نیست و حساب و کتابی نداریم و تسلیم مدارک به من موقوف به تنظیم اقرارنامه از ناحیه همسر به نفع آقای وکیل شد. شاکی اضافه نمود که آقای مدارک او را نداده و کار وکالتی هم نکرده و حق الوکاله کلانی هم دریافت داشته و تعقیب انتظامی او را خواستار شده است. شکات انتظامی فتوکپی سند رسمی شماره ۵۳۱۰۸-۷۷/۳/۱۰ تنظیم شده در دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳۲۱ تهران مربوط به انتقال اتومبیل ادعایی به همسر وکیل مشتکی عنه را پیوست کرده است. تصویر شکوائیه شکات برای آقای ارسال شده وکیل مشتکی عنه به موجب لایحه تقدیمی خود به کانون وکلای مرکز که به شماره ۷۶/۶/۲۶/۷۷ ثبت دفتر کانون وکلای مرکز شده اظهار داشته، پیرو جلسه مورخ ۷۶/۶/۲۶ در دفتر ریاست کانون (ریاست سابق) و با وصول دو شکوائیه پی در پی، پس از ۲۱ سال وکالت به استحضار می‌رساند آقای احمد و شریک در تاریخ ۷۶/۹/۱۰ با یک فقره شکایت کلاهبرداری به مبلغ ۱۶۸ میلیون تومان به اینجانب مراجعه و لکن از وجود شکایت دوم کلاهبرداری ذکری به میان نمی‌آورند. با توجه به نوع اتهام و اصرار موکلین بر تهیه و تسلیم متن کامل لایحه دفاعیه به نحوی که نه تنها پاسخگوی جلسات دادگاه بلکه در صورت دستگیری و بازداشت غافلگیرانه پاسخگوی مرحله تحقیقات مقدماتی نیز باشد، قرارداد حق الزحمه مورخ ۷۶/۹/۱۵ به شرط حال و غیرقابل استرداد بودن تمامی مبلغ قرارداد به صورت تضامن منعقد و مبلغ پنج میلیون تومان طی یک طغری چک از آقای دریافت می‌گردد و طی یکصد ساعت کار مداوم که موکل به هشتاد ساعت آن طی شکوائیه اذعان نموده علاوه بر جلسات مکرر با شکات نه تنها دفاعیه کامل شکایت مورد قرارداد بلکه دفاعیه کامل شکایت دوم و همین طور اقدامات و مکاتبات لازم برای فک پلمب از دفتر کار موکلین نیز به طور بلاعوض تهیه و مستند در اختیار او قرار می‌گیرد و متهم به قید قرار آزادانه مرحله تحقیقات مقدماتی مربوط به خود را در معیت اینجانب به اتمام می‌رساند و برای جلسه دادگاه منتظر طی تحقیقات مقدماتی توسط شریک خود که در سفر بوده می‌شود. با رفع بحران ناشی از تعقیب آقای

..... به منظور اقاله قرارداد و عدم پرداخت دو ثلث باقیمانده از حق الزحمه به اینجانب مراجعه و چک دریافتی از موکل نیز در دست دارنده بلامحل اعلام می شود و دارنده چک در صدد دستگیری موکل بر می آید. تحت فشار ناشی از مراجعات مکرر و نامطلوب دارنده چک به محل دفتر مشترک اینجانب و همسر که وی نیز به حرفه وکالت اشتغال دارد و مراجعات مکرر همسر آقای به منظور اقاله قرارداد فیما بین نهایتاً در مورخ ۱۰/۳/۷۷ مکتوب بنا به درخواست موکلین و ممضی به امضای هر دو اقاله می گردد و طی آن ضمن صلح کلیه دعاوی فیما بین از خدمات موثر اینجانب نیز سپاسگزاری و طلب دارنده چک از محل خریداری اتومبیل همسر آقای توسط همسر به قیمت روز تأمین و اینجانب از وصول دو سوم باقی مانده مبلغ قرارداد صرف نظر نمودم و به نظر اینجانب برای وکلای دادگستری تجربه ای تلخ تر از دشوار یافتن احقاق حقوق خود در قبال موکلین وجود ندارد. وکیل مشتکی عنه فتوکپی دو فقره قرارداد و رضایت نامه را پیوست لایحه نموده است. همچنین فتوکپی لایحه تسلیم شده به شعبه ۲۰۵ دادگاه عمومی تهران مبنی بر تسلیم وکالتنامه و اخطار به دادگاه مذکور مبنی بر دعوت آقای به دادگاه به وکالت از آقای احمد و چندین برگ فتوکپی قبوض رسید پستی و فتوکپی لایحه دفاعیه از احمد ضمیمه شده و آقای لایحه دفاعیه دیگری به دادسرای انتظامی کانون وکلای مرکز ارسال داشته که به شماره ۲۳۹۴-۷۸/۵/۲ ثبت دفتر شده و به موجب آن ضمن تکرار اظهارات قبلی، مدافعاتی نسبت به تخلف انتسابی بیان داشته است. دادسرای انتظامی کانون وکلا مقرر داشته که خانم کارآموز وکالت با مراجعه به شعبه ۲۰۵=۵۰۵ دادگاه عمومی تهران و ملاحظه پرونده کلاسه ۴۱۳/۷۷ آن شعبه گزارشی از آن پرونده تهیه و به دادسرای انتظامی کانون وکلا ارسال می دارد. مشارالیه با تهیه گزارش مورخ ۷۵۰۸-۷۹/۶/۷ اعلام نموده که در پرونده کلاسه مذکور اتهامی آقای احمد دائر به کلاهبرداری وکالتنامه ای از آقای مشاهده نگردید. در جلسه مورخه ۷۹/۷/۲۵ آقای مطالبی اظهار داشته و شکایت شاکی و گزارش خانم را تکذیب نموده و اظهار داشته وکالتنامه شماره ۷۰۸۶ تنظیم و نسخ زیادی از آن در پرونده موجود است و اضافه نموده با خانم هیچ گونه رابطه وکالتی نداشته است. خانم با مراجعه مجدد به

دادگاه عمومی تهران و ملاحظه پرونده کلاسه ۴۱۳/۵۰۵/۷۷ طی لایحه تسلیمی دیگری که به شماره ۱۲۴۰۵-۷۹/۸/۱۰ ثبت دفتر کانون وکلا شده، اضافه نموده که آقای در صفحات ۱۹۱ و ۱۷۵ پرونده مذکور دو برگ وکالتنامه شماره ۷۰۸۶ مورخ ۷۶/۲/۲۳ و ۷۷/۲/۳۰ از ناحیه خود به وکالت از آقای تسلیم نموده که در پرونده ذکر شده ضبط گردیده است و سپس در تاریخ ۷۷/۱۱/۲۱ به موجب لایحه‌ای از وکالت آقای کناره‌گیری کرده است. آقای دادیار دادرسی انتظامی کانون وکلای مرکز به موجب اظهار نظر مورخ ۷۹/۱۰/۱۱ چندین مورد تخلف انتظامی از ناحیه آقای را احراز و عقیده به تعقیب مشارالیه داشته که این قرار به موافقت آقای دادستان انتظامی رسیده و نهایتاً کیفرخواست شماره ۱۷۹/۷۷-۷۹/۱۰/۱۸ علیه آقای تنظیم و به استناد بند ۲ ماده ۷۹ آئین نامه و ماده ۳۹ همان آئین نامه و مواد ۵۶ و ۶۳ قانون وکالت و ایضاً ماده ۱۹ آئین نامه به جهت تخلف از مقررات و تخلف از سوگند درخواست صدور حکم علیه مشارالیه شده است. پرونده جهت رسیدگی به شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون وکلای مرکز ارجاع شده و آقای هم چندین فقره لوایح دفاعیه به کانون وکلا و دادرسی انتظامی و شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز ارسال و مدافعتی به عمل آورده و اجمالاً یکایک موارد تخلفات انتسابی به خود را تخلف ندانسته و درخواست صدور حکم برائت خود را نموده است. شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون وکلای مرکز با تشکیل جلسه رسیدگی و استماع اظهارات شکات و وکیل مشتکی عنه به شرح منعکس در صورتجلسه دادرسی مورخ ۸۰/۴/۱۳ و با تجدید جلسه و اخذ توضیح از طرفین نهایتاً با اعلام ختم رسیدگی به موجب رأی شماره ۱۷۹/۷۷-۸۰/۱۰/۲۶ و ۸۰/۱۰/۲۹-۲۲۱۸۸ با احراز تخلف (عمل آقای در خصوص انتقال چک پنج میلیون تومانی شاکی به غیر و سپس انتقال اتومبیل شاکی به همسر وکیل مشتکی عنه و دریافت حق الوکاله از ثمن اتومبیل مورد معامله را مغایر شئون وکالت دانسته) و با استناد قسمت دوم بند ۱ ماده ۱۸۰ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا با رعایت ماده ۸۳ آئین نامه به لحاظ نداشتن سابقه محکومیت آقای منوچهر..... را به تویخ با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون وکلا محکوم نموده است. دادگاه انتظامی کانون وکلا نسبت به سایر موارد حکم برائت آقای را صادر

نموده است. رأی صادر شده طی نامه ۱۷۹۰۷۷/۲۲۱۷۹/د-۲۷/۱۰/۱۳۸۰ به نامبرده ابلاغ و وکیل محکوم علیه به موجب لایحه‌ای که ذیل شماره ۲۲۶۵۹-۲۷/۱۱/۸۰ ثبت دفتر دادگاه شده رأی صادر شده را قابل اعتراض دانسته و نسبت به محکومیت خود اعتراض نموده است. آقای شاکی انتظامی نیز طی لایحه تسلیمی به کانون وکلا که به شماره ۲۳۱۴۳-۸۰/۱۱/۱۴ ثبت دفتر کانون گردیده نسبت به حکم صادر شده اعتراض و درخواست تجدیدنظر نموده است. تصویر لایحه اعتراضیه آقای به کانون وکلای مرکز ارسال شده و آن کانون طی لایحه‌ای که به شماره ۱۰۰۵-۱۲/۳/۸۱ ثبت دفتر دادگاه شده جواباً اعلام نموده، در پاسخ به اعتراض آقای نسبت به رأی شماره ۲۲۱۸ صادر شده از شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون وکلا اشعار می‌دارد به صراحت ماده ۱۷۵ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، محکوم علیه صرفاً نسبت به احکام مجازات از درجه ۴ به بالا ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ حق اعتراض دارد و در تشخیص قابلیت یا عدم قابلیت اعتراض نسبت به احکام، درجه مجازات قانوناً ملاک قرار می‌گیرد و نوع و عنوان تخلف مناط اعتبار نیست. با عنایت به اینکه مجازات مندرج در رأی معترض عنه، بر اساس ماده ۷۶ آئین نامه مزبور درجه ۳ می‌باشد فلذا قابل اعتراض نبوده و از این جهت تقاضای رد اعتراض را دارد. همان طوری که محتویات پرونده حاکی است و آقای هم کراراً اعلام داشته‌اند، علیرغم ظهرونیسی و انتقال چک مورد شکایت به شخص ثالث، بر اثر دخالت و اقدام وکیل مرقوم، نهایتاً اتومبیل همسر شاکی به نام همسر آقای شده و وجه چک انتقال یافته به ثالث، در محاسبه بهای معامله، منظور گردیده و اینگونه اقدام و فعل و انفعال به نظر دادگاه از مصادیق اقدام برخلاف شئون وکالت تشخیص گردیده و امثال مورد شان وکالت را مخدوش می‌نماید و مدافعات وکیل یادشده موجه نبوده و عمل وکیل یادشده باعث سلب اعتماد و وثوق مردم به وکلا می‌شود و دریافت حق الوکاله ارتباطی بمانحن فیه نداشته و اقدامات مربوط به واگذاری چک به ثالث و مداخله وکیل مشتکی عنه و همسرش که منجر به انتقال اتومبیل همسر شاکی به همسر آقای شده سازگاری با شئون وکالت ندارد. دادگاه با بررسی محتویات اوراق پرونده و قرائت گزارش تنظیم شده و با انجام مشاوره ختم رسیدگی اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رای دادگاه: اولاً در خصوص اعتراض آقای به آن قسمت از دادنامه شماره ۲۲۱۸۸-۲۹/۱۰/۸۰ شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون وکلای مرکز که اشعار بر تبرئه آقای دارد با عنایت به مندرجات اوراق پرونده و رسیدگی‌های انجام شده به لحاظ اینکه آقای سید هیچ‌گونه دلیل موجه و مدلی بر ناصواب بودن رأی معترض علیه ارائه نکرده و رأی مورد اعتراض هم خالی از ایراد و اشکال می‌باشد و لذا با رد اعتراض آقای شاکی انتظامی، آن قسمت از رأی مرقوم که حکایت از برائت آقای وکیل مشتکی عنه دارد تأیید و استوار می‌شود. ثانیاً در خصوص اعتراض آقای وکیل دادگستری نسبت به قسمت دیگر دادنامه فوق‌الذکر که متضمن محکومیت مشارالیه به توبیخ با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون می‌باشد، نظر به اینکه رأی صادر شده طی نامه شماره ۲۲۱۷۹/۷۷/۱۷۹-د/۲۷/۱۰/۸۰ با پست سفارشی برای آقای ارسال گردیده و نامبرده به موجب لایحه تقدیمی به این دادگاه به شماره ۱۱۶۵۹-۲۷/۱۱/۸۰ ثبت دفتر گردیده در تاریخ ۲۷/۱۱/۸۰ یعنی یک ماه بعد از ارسال نامه اقدام به تجدیدنظرخواهی نموده که خارج فرجه و مهلت قانونی مذکور در ماده ۷۱ آئین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری می‌باشد و لذا به لحاظ خارج از مهلت بودن تجدیدنظرخواهی معترض، درخواست تجدیدنظر آقای مردود اعلام می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

وکالت کارآموز وکالت بدون امضای وکیل سرپرست

برگ بازجویی و صورتمجلس

به تاریخ امروز دوشنبه پنجم اسفندماه هشتاد و یک در وقت فوق‌العاده شعبه پنجم دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز با حضور امضاکنندگان ذیل تشکیل است پرونده کلاسه ۵/۸۱/۱۷ تحت نظر است و با بررسی محتویات پرونده به شرح ذیل مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رای دادگاه: در خصوص شکایت، علیه آقای مبنی بر عدم پیگیری پرونده مورد وکالت و اینکه هیچ‌گونه دفاعیاتی از ناحیه وکیل به عمل نیامده است، نظر به اینکه

محتویات پرونده و آراء صادره از دادگاهها به شرح دادنامه‌های شماره ۸۰/۲۶۶۳/۲۶۴۴ مورخ ۸۰/۲/۱۷ و ۸۰/۲۶۴۲/۸۰ مورخ ۸۰/۷/۱۱ صادره از شعبه ۱۷۲۴ دادگاه عمومی تهران و همچنین لویحی که وکیل به دادگاههای مربوطه ارائه کرده است (که فتوکپی آنها در پرونده موجود است) حاکی از انجام وظیفه وکیل در دعاوی مطرحه می‌باشد بنابراین از این حیث تخلفی از ناحیه مشتکی عنه صورت نگرفته است و در خصوص ادعای دیگر شاکی مبنی بر دریافت مبلغ پانصد و پنجاه هزار تومان به وسیله وکیل با توجه به اینکه مبلغ مزبور حسب توافق به عمل آمده برای دو پرونده به وکیل پرداخت شده است لذا از این حیث نیز به نظر دادگاه تخلفی صورت نگرفته است و اما در خصوص مورد سوم از موارد اعلامی نظر به اینکه وکیل مشتکی عنه بدون موافقت وکیل سرپرست مبادرت به انجام امور وکالتی نموده است با توجه به محتویات پرونده و دفاعیات غیرموجه مشتکی عنه و اینکه اظهارات وکیل سرپرست و بی شرح گواهی منعکسه ذیل تقاضای مورخ ۸۱/۷/۲۲ با عنایت به اینکه نفس اطلاع وکیل سرپرست (با فرض صحت) تنهایی نمی‌تواند رافع تکلیف کارآموز باشد، بنابراین اقدام کارآموز بدون اخذ امضاء وکیل سرپرست به نظر این دادگاه تخلف محسوب و با انطباق مورد با ماده ۷۷ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب آذرماه ۱۳۳۴ آقای را محکوم به توبیخ با درج در پرونده می‌نماید. رأی صادره نسبت به محکوم علیه قطعی است لیکن در حدود ماده ۷۵ آئین‌نامه قابل اعتراض خواهد بود.

عدم قید عنوان کارآموز وکالت در وکالتنامه

برگ بازجویی و صورت مجلس

در این پرونده در تاریخ ۸۰/۱۱/۷ تحت شماره ۲۲۱۸۵ توسط شخصی ناشناس علیه آقای وکیل پایه یک دادگستری اعلام شکایت شده و شکایت مزبور در تاریخ ۱۳۸۱/۶/۲۸ منجر به صدور کیفرخواست از جانب دادستان انتظامی کانون وکلا به شرح زیر گردیده است: (۱) انعقاد قرارداد وکالت مستقل و بدون دخالت وکیل سرپرست، قبل از صدور پروانه وکالت پایه یک دادگستری. (۲) اشتغال بر امر وکالت در محل دیگری غیر از محل تعیین شده در پروانه وکالت. (۳) قید همان نشانی در وکالتنامه شماره ۹۶۰۰۱

۴) دعوت وکیل مزبور جهت اخذ توضیح و عدم حضور وی در دادسرا (۵) سایر موارد موجود در پرونده به استناد بند ۲ از ماده ۸۰ آئین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای و ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب سال ۱۳۷۶، لیکن مشتکی عنه در مقام دفاع منکر اشتغال بر امر وکالت در محل دیگری غیر از محل تعیین شده به صورتی که از آن تمرکز فعالیت استنباط شود می‌باشد و در خصوص تهیه مهر و کارت وکالت نیز اظهار می‌دارد که مهر را پس از اخذ پروانه وکالت سفارش داده و کارت توسط پدر همسرش که با او اختلاف داشته و شاکی احتمالی است برای پرونده سازی علیه مشتکی عنه تهیه گردیده است و در خصوص عدم استفاده از فرم وکالت‌نامه مخصوص کارآموزی اظهار می‌دارد که به آن دسترسی نداشته و از نظر وکیل سرپرست نیز موافقت بعدی وی را به دادگاه ارائه داشته و همچنین اطلاع موکل مشتکی عنه به اینکه وی در آن زمان کارآموز وکالت بوده و تظاهری برخلاف آن نکرده است را به صورت نوشته کتبی در اختیار دادگاه قرار داده است. دادگاه پس از انجام مشورت کافی به شرح زیر به اتفاق آراء اقدام به صدور رأی می‌نماید:

رأی دادگاه: در خصوص موضوع آقای نظر به اینکه نامبرده در زمان کارآموزی طی وکالت‌نامه شماره ۹۶۰۰۱ مورخ ۱۳۸۰/۶/۴ علاوه بر عدم استفاده از فرم مخصوص وکالت‌نامه مخصوص کارآموزان از قید نمودن کارآموزی خودداری کرده و در ذیل وکالت‌نامه نیز امضای وکیل سرپرست خود را اخذ نکرده در حالی که بنابه اظهار خود وی در تاریخ مزبور هنوز پروانه وکالت دریافت نکرده بوده است و نظر به ماده ۶۶ آئین‌نامه لایحه استقلال که مقرر می‌دارد مادام که کارآموز دوره کارآموزی را طی نکرده و پروانه مستقل به وی داده نشده نام او در فهرست اسامی وکلای درج نخواهد شد. و بنابراین مشتکی عنه در آن زمان موظف به قید نمودن خود به عنوان کارآموز وکالت و اخذ امضای وکیل سرپرست بوده است و دادگاه طبق ماده ۷۷ آئین‌نامه مذکور را با عنایت بر بند ۲ ماده ۷۶ همان آئین‌نامه رأی به محکومیت آقای به توییح با درج در پرونده صادر می‌نماید و در خصوص سایر موارد مندرج در کیفرخواست به علت فقد دلایل کافی و با توجه به محتویات پرونده و مدافعات مشتکی عنه دادگاه نظر به فسخ کیفرخواست صادره دارد این رأی مطابق قانون قابل اعتراض می‌باشد.